

کتاب

اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

حکم عنایت ناحیه مقدسه به آیت الله مرعشی نجفی، در اثر مداومت بر عمل استجاره و در حالت شدت سرما و گرسنگی و وحشت

این واقعه را مرحوم عماد زاده (در کتاب منتقم حقیقی ص ۴۲۸) نقل کرده از دستخط صاحب واقعه که مرحوم آیت الله علامه سید شهاب الدین نجفی مرعشی (مرجع تقلید) است، و چون در زمان حیات ایشان بوده، و نشر واقعه مشروط به عدم نام بردن از ایشان شده، فلذا آنرا به صورت مجمل نقل کرده، و در کتاب از ایشان صریحاً نام نمی برد، اما بعدها که آن مرحوم این واقعه را به برخی از خواص بیان کرده بودند، معلوم شد که این واقعه مربوط به خود ایشان بوده است: سید جلیلی که از اهل علم، و قطع به صدق و سداد و تقوای او هست، و از خاندان جلیل رسالت پناهی و دودمان مرتضوی (صلوات الله علیه) می باشد، (و منظور از آن مرحوم آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی است) نقل می نماید که:

در نجف اشرف، زمان تحصیل علوم دینیّه و فقه اهل بیت علیهم السلام، فوق العاده مشتاق دیدار جمال دل آرای حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شده، و عهد نمودم که چهل شب چهارشنبه، پیاده مشرف به مسجد سهله شده، در آنجا **(برای عمل استجاره)** بیتوته نمایم، به قصد و نیت اینکه شاید نائل به آن فوز عظیم شوم، و بر این عمل مداومت داشتم، تا چهارشنبه ۳۶ یا ۳۵، که آن شب اتفاقاً از نجف اشرف قدری دیرتر از لیالی سابقه حرکت نمودم، و هوا ابر و بارندگی داشت. نزدیک مسجد شریف سهله خندق است. به آن خندق که سرازیر شدم، در تاریکی، با حال وحشت و خوف از سارقین و قطاع طریق، که در آن اوان زیاد بودند، از پشت سر صدای قدم زدن و راه رفتن کسی به سمع من رسید. وحشت افزون شد. برگشته، به عقب خود ملاحظه نمودم. پس سید عربی به لباس اهل بادیه پیش آمد و به لسان فصیح فرمود: یا سید، سلام

علیکم. سید مرعشی فرمود: وحشت من به کئی زائل، و سکون نفس حاصل شد، ولی از آن سلام دهنده بیش از اینکه سید عربی است اهل بادیه، معلوم نشد؛ {و عجب آن است که در تاریکی شب ملتفت علامت سیادت او شدم، و حال آنکه به این نکته توجه نمودم و غافل بودم که چه نحوی شود در تاریکی تشخیص داد؟} به هر حال سید عرب شروع به مکالمه و صحبت و طی مسافت نمود، و سؤال فرمود: قاصد کجا هستید؟ عرض کردم: **مسجد سهله**. سید عربی فرمود: به چه نیت؟ گفتم: به قصد تشرّف به زیارت ولیّ عصر (صلوات الله علیه). پس از چند قدم برداشتن، رسیده بودیم به مسجد زید بن صوحان، که مسجد کوچکی است قریب و جنب **مسجد سهله**. سید عرب فرمود: خوب است وارد مسجد شویم و نماز تحیّت اینجا را بجا آوریم. وارد شده، دو رکعت نماز را بجا آوردیم، و دعایی بعد از نماز وارد است؛ سید مرعشی می گوید: این شخص آن دعا را از حفظ خواند، و کاتّه تمام سنگ و آجر دیوارها با ایشان موافقت می نمودند در خواندن، و انقلاب عجیبی در خود دیدم که از توصیف آن عاجزم. پس از اتمام دعا؛ سید عرب فرمود: یا سید، گرسنه ای؛ خوب است تعشی بنمایی (شام بخوری). سپس سفره از زیر عبای خود بیرون آورده و در میان آن، سه قرص نان و دوسه دانه خیار بسیار سبز و خرّم، و تازه از بستان چیده شده بود، و حال اینکه در چله زمستان بود! سید مرعشی می گوید: ابدًا انتقال به این پیدا نکردم که خیار در این فصل، از کجا؟ و به چه وسیله آمده؟ سپس حسب الأمر شخص عرب، شام صرف شد. سپس سید عرب فرمود: برخیز مشرّف شویم به **مسجد سهله**. سید می گوید: حرکت نمودم. وارد مسجد شده، اعمال مقامات را شخص عرب بجای آورد و من هم تبعیت می نمودم، و ضمناً فریضه مغرب و عشاء را هم بجای آورد، و من بی اختیار به او اقتداء

نمودم، بدون توجه به اینکه این شخص عرب کیست؟ پس از فراغ از اعمال مسجد؛ و فرایض و **صلوات استجاره** در وسط **مسجد شریف سهله**، سید عرب فرموده بود: یا سید، شما هم مثل سایرین، شبهای چهارشنبه را پس از اعمال سهله، مشرف می شوید به مسجد کوفه؟ یا در **سهله** می مانید؟ سید مرعشی عرض کرده بود: بیتوته می نمایم. غرض سید عرب با سید مرعشی در وسط مسجد، بر سگویی مقام حضرت صادق (صلوات الله علیه) نشستند.

۱- سید مرعشی می گوید: به سید عرب عرض کردم: آیا میل به چایی یا قهوه یا دخانیات دارید؟ حاضر نمایم؟ کلمه جامعه فرمودند، و آن این است: {این امور فضول معاش است، و ما از فضول معاش متجنب هستیم (یعنی از امور اضافی و غیر ضروری است)}. سید مرعشی فرمود: چنان این کلمه در من مؤثر شد که غالباً که يك استکان چایی صرف می نمایم و فرمایش سید عرب در نظر می آید، اعضاي من مرتعش می شود. به هر حال مجلس دو ساعت طول کشید، و در خلال این مدت مطالبی مذاکره شد که به بعضی از آنها اشاره می شود.

۲- صحبت استخاره شد. سید عرب فرموده بود: یا سید، عمل شما در استخاره به سبحة (تسبیح)، چه نحو است؟ سید مرعشی عرض کرده بود: سه بار صلوات، سه بار (استخیر الله برحمته خیره فی عافیه)، بعد گرفتن يك قبضه و شمردن آن؛ زوج بماند بد، فرد بماند خوب. سید عرب فرموده بود: این استخاره يك تتمه دارد؛ که به شما نرسیده، و آن این است که: چون فرد باقی ماند، فوراً حکم ننمایید که خوب است، بلکه او را در حال وقفه بگذارید، و بر ترك آن استخاره را تجدید نمایید، چنانچه در ترك؛ زوج بماند، کشف می نماید که آن استخاره اولی؛ خوب بوده، و اگر در ترك؛ فرد بماند، کاشف از میانه بودن استخاره اولی است. سید مرعشی می گوید: من بر حسب قواعد علمیّه، مطالبه دلیل نمودم.

سید عرب فرمود: از جایی بزرگ رسیده است. سید مرعشی می گوید: به مجرد فرمودن این کلمه، تسلیم و انقیاد عجیبی در خود دیدم، و باز منتقل نشدم که این شخص کی است؟

۳- از مطالب مذکوره آن مجلس، تأکید شخص عرب بوده به سید مرعشی؛ خواندن این سُور پس از فرایض خمسه: بعد از نماز صبح سوره یاسین، و بعد از نماز ظهر سوره عمّ یتسائلون، و بعد از نماز عصر سوره نوح بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و بعد از نماز مغرب سوره واقعه، و بعد از نماز عشاء سوره الملك.

۴- از مطالب مذکوره، تأکید به خواندن (سید مرعشی) دو رکعت نماز، بین نماز مغرب و عشاء؛ در رکعت اولی، پس از فاتحه هر سوره که بخواند، و در رکعت ثانیه، پس از فاتحه سوره واقعه را؛ و فرمودند: همین تلاوت واقعه کفایت می نماید از خواندن سوره واقعه پس از مغرب، که قبلاً ذکر شد.

۵- از مطالب، تأکید به خواندن این دعا پس از سلام فرایض خمسه:

{اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي مِنَ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصُّدْرِ}.

۶- از مطالب، تأکید در خواندن (در رکوع) پس از ذکر رکوع فرایض خمسه، خصوصاً در رکعت آخری: {اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجَزْنَا، وَاغْنِنَا بِحَقِّهِمْ}.

۷- از مطالب، خواندن این دعا در قنوتها: {اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ}.

۸- تمجید فوق العاده از کتاب شرایع الإسلام محقق حلی؛ که فرمودند: همه اش مطابق واقع است، به جز چند مسأله.

۹- تأکید در خواندن قرآن جهت شیعیانی که کسی را در دنیا ندارند، یا دارند و به فکر اموات خود نیستند.

۱۰- تحت الحنك را دیدم سید عرب در حال صلوات، به نحوی که معمول علماء عرب است، اداره از زیر حنك، و سر آن را به عمامه فرو برد؛ و فرمودند: ورود شرعی آن این است.

۱۱- از مطالب مذکوره، تأکید در زیارت حضرت سید الشهداء (صلوات الله علیه).

۱۲- دعایی در حق سید مرعشی فرموده بودند، به این عبارت: {جعلك الله من خَدَمَةِ الشَّرْعِ} (یعنی) خداوند تو را از خادمان شریعت قرار دهد.

۱۳- سید مرعشی عرض کرده بود: نمی دانم عاقبت من به خیر است یا نه؟ و روی من نزد صاحب شرع سفید می شود یا خیر؟ فرموده بودند: عاقبت شما به خیر است، و سعی شما مشکور، و روسفید هستید.

۱۴- سید مرعشی عرض کرده بود: نمی دانم ابوبین و اساتید و ذوی الحقوق من، از من راضی هستند یا خیر؟ فرموده بودند: خاطر شما آسوده باشد، همه راضی، و ارواح آنها دعاگوی شما هستند.

۱۵- سید مرعشی از شخص عرب استدعای توفیق تألیف و تصنیف نموده بود؛ شخص محترم دعا فرموده بود.

و مطالب بیش از این ذکر شده که مجال تفصیل نیست؛ اجمالاً فوائد بیشماری استفاضه و استفاده کرده بود.

سید مرعشی می گوید: محتاج به خروج شدم. حرکت کردم که سر حوض (بیرون مسجد و در بین دو درگاه) بروم. در وسط راه، به ذهن من خلجان نموده که: این

چه شبی است؟ و این سید عرب صاحب فضایل و فواضل کیست؟ شاید مطلوب من (امام زمان علیه السلام) باشد. به مجرد خطور این مطلب به ذهن، من خواستم برگردم به محلّ خود. چون متوجّه شدم، دیدم اثری از آن شخص سید عرب نیست، و بلکه احدی در مسجد نیست، و حال آنکه از مسجد هنوز بیرون نرفته بودم، که اراده برگشتن نمودم. سپس ملتفت شدم که گمشده خود را یافته بودم، و غفلت نمودم. شروع به گریه و زاری کردم، و دیوانه وار اطراف مسجد تا صبح قدم می زدم، نظیر عاشق دلسوخته؛ که معشوق خود را گم نموده پس از وصال. سید مرعشی می گوید: هر وقت آن شب و لطف آن مجلس و روحانیت آن؛ به نظرم می آید، از خود بی خود می شوم. این اجمالی بود از تفصیل آن.

نکات و توضیحات واقعه

{۱}. انجام اعمال مقامات مسجد قبل از مغرب؛ و انجام فریضه و نافله مغرب در صورت فرصت کافی تا مغرب داشتن، و انجام نماز **استجاره** بعد از آنها.

{۲}. مسجد زید و همه مقامات **مسجد سهله** و خصوصا مقام امام صادق علیه السلام از **مشاهد مهدوی علیه السلام** است.

{۳}. این واقعه و وقایع دیگر عنایات خاصه به ایشان را؛ بنده و برخی دیگر از آن مرحوم مستقیما نیز شنیده اند، و منحصر به نقل منبع مذکور نمی باشد.

{۴}. اما وجه شرط نمودن برای آن مؤلف؛ "عدم نقل و نشر واقعه تشرّفات" بخاطر وجود منع شرعی یا حتی رجحان اخلاقی بر کتمان آنها نبوده، چه اینکه نشر این حقایق برای غیر منکرین و غیر مقصره، و کسانی که اهلیت شنیدن این مطالب را داشته؛ و مستعدین معارف الهیه هستند؛ شایسته بوده، بلکه لازم است، اما مانع نشر اینها به نام و بطور صریح؛ (بنابر آنچه خود مرحوم آیت الله



مرعشی می فرمودند) دشمنان و حاسدان بودند، آن کسانی که تا شخصیتی در قید حیات است؛ تحمل شنیدن هیچ فضیلت و توفیق و مدحی راجع به او و بلکه هیچ کسی را ندارند، و در صورت نشر مطلبی؛ آنرا از روی حسد؛ تحمل نکرده، و شخص محترم را به عناوین ناشایست متهم نموده، و به بهانه دروغ شایع {که اگر راست بود باید کتمان می شد} نشر هر توفیق یا موفقیت معنوی

را انکار می کنند، ولذا صاحبان این توفیقات برای حفظ کرامت آنها، و لوث نشدن آن در رویکردهای ناسالم حاسدان، از نقل آنها خودداری می نمایند.

{۵}. البته این وقایع فراتر از جنبه شخصی بوده، و ضرورت نشر آنها {بخاطر گواهی بر امری که مربوط به حضور فراگیر مولا صاحب الأمر علیه السلام است} جزو وظایف دینی است، تا بر همگان معلوم شود که امام زمان علیه السلام اگرچه الآن مستور است، اما حاضر است، در همه جا، و در هر زمان، و برای هر کسی، و معمولی بودن، و بسیار بسیار فراوان بودن تشرّفات؛ در هر عصر و زمان؛ از امور بدیهیه است، البته طبیعی است که در مقام نقل و نشر؛ شخص قبلا باید مطمئن باشد؛ که شنونده تحمل این سطح معارف الهیه را دارا بوده؛ و از مقصره یا منکرین نبوده، و واگویی این حقیقت به مخاطب نااهل؛ سبب وهن آن حقیقت یا صاحب واقعه نمی شود.

پژوهشگردها و آموزسگردهاى بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تخم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه هاى حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

نشر ششم: یازدهم جمادی الآخری ۱۴۳۷

www.Aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین